

# زمینه‌سازی به سوی کمال

● اصغر ندیری

شایستگی‌های لازم (فردی، خانوادگی، اجتماعی) که متریان برای وصول به مرتبه‌ای از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه‌ی ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی باید آن‌ها را به‌دست آورند. از این‌رو مدرسه فضای اجتماعی (جامعه) هدفمندی است که از طریق زنجیره‌ای از موقعیت‌ها، فرصت حرکت رشدیابنده و تعالی‌بخش را برای متریان فراهم می‌سازد که در آن شایستگی‌های لازم برای درک و بهبود موقعیت خود و دیگران از طریق یادگیری‌های رسمی و غیررسمی کسب می‌شود.

به‌طور کلی، برخورداری از حیات طیبه در بعد جمعی و تحقق جامعه‌ی صالح نیازمند مدرسه‌ی صالح است. لذا با عنایت به غایت جریان تربیت در دیدگاه اسلامی یعنی آماده شدن متریان برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه‌ی ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی و نیز با توجه به اصل عقلانی تناسب بین وسیله و هدف، لازم است فضاهای تربیتی و به‌خصوص مدرسه و زندگی مدرسه‌ای، که در واقع زمینه‌ی اجتماعی سامان‌یافته‌ای برای تحقق حیات طیبه است، از ویژگی‌های جمعی حیات طیبه برخوردار باشد تا به مثابه کانون تجلی‌بخش حیات طیبه، امکان تجربه‌ی این نوع زندگانی را برای همه‌ی متریان فراهم آورد.<sup>۲</sup>

## هدف از تشکیل حکومت در اسلام

«هدف از تشکیل حکومت در اسلام یا حکومت منطبق با ملاک‌های دینی، زمینه‌سازی برای هدایت مردم به‌سوی کمال و برپایی عدالت است (ر- ک به سوره‌ی حدید/ ۲۵). از این‌رو ضروری است لوازم و عوامل زمینه‌ساز تحقق اهداف مذکور به تناسب شرایط زمانی و مکانی، مورد توجه قرار گیرد. یکی از لوازم حکومت زمینه‌ساز هدایت و برپاکنده‌ی عدالت، تربیت است. تربیت بیشترین نقش را در برپایی و تداوم چنین حکومتی دارد. در روایات و سیره‌ی معصومین(ع)

در روزهایی به سر می‌بریم که مقارن است با پیروزی انقلاب اسلامی و جشن سی‌وپنجمین سالگرد این نهضت رهایی‌بخش، اما هدف از تشکیل حکومت اسلامی در جامعه‌ی ما چه بوده است؟ این امر را با دقت در بند ۲-۴-۴ «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» در ذیل بحث «حکومت» چنین بیان شده است: «هدف از تشکیل حکومت در جامعه‌ی اسلامی براساس مبانی دینی، تحقق جامعه‌ی صالح در راستای برپایی جامعه‌ی عدل جهانی است و لذا این نوع حکومت باید زمینه‌ی هدایت آحاد مردم به‌سوی تحقق حیات طیبه را فراهم کند. بنابراین حکومت اسلامی، دولت زمینه‌ساز حیات طیبه است نه صرفاً دولت مسئول نظم و امنیت اجتماعی و تأمین رفاه عمومی.

باتوجه به لزوم آمادگی عموم افراد جامعه برای تحقق حیات طیبه، زمینه‌سازی جهت تربیت ایشان در تلاش‌های این دولت اولویت دارد.<sup>۱</sup> اما چه کسانی شایستگی به‌دست دادن این آمادگی‌ها در افراد جامعه را دارند؟ بی‌تردید مربیانی می‌توانند این وظیفه و شایستگی را داشته باشند که به برقراری رابطه‌ی «احسان و عدالت» در میان متریان و آحاد جامعه باور دارند. «رابطه‌ی عدالت و احسان که از اصول حاکم بر روابط بین افراد در مدرسه است مانع از تحقق این احتمال خواهد شد که اقتدار و سندیت مربی یا کارگزاران مدرسه به سخت‌گیری و خشونت علیه متریان و به حاکمیت جوی استبدادمنشانه در مدرسه بینجامد.

مربی باید چنان محبوبیتی را داشته باشد تا نقش وی، که زمینه‌ساز تحولات رشد‌پاینده‌ی هویت متریان است، به‌درستی تحقق یابد.<sup>۲</sup> و در ادامه، تحقق‌بخشی اهداف بالا مستلزم داشتن مدرسه‌ی صالح است. در بخش دیگری از «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» آمده است: «مدرسه محیط اجتماعی سازمان‌یافته‌ای (مشمول بر مجموعه‌ای از افراد و روابط و ساختارهای منظم) است. برای کسب مجموعه‌ای از

به‌ویژه پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع)، اشارات فراوانی مبنی بر دخالت دولت در تربیت آحاد جامعه وجود دارد. دستور پیامبر(ص) مبنی بر تعلیم سواد به مسلمانان توسط اسرای جنگ بدر و عهدنامه‌ی حضرت به معاذ، همچنین در عهدنامه‌ی امام علی(ع) به مالک‌اشتر، این وظیفه استنباط می‌شود.

علاوه بر شواهد نقلی مذکور، از منظر عقلی نیز ورود دولت اسلامی به مدیریت فرایند تربیت رسمی و عمومی قابل توجه است. دولت اسلامی به‌منظور لزوم مداخله در تحقق حق بر تربیت، بنابر دلایل، در این نوع تربیت بیشتر و اثرگذارتر خواهد بود. دلایل حضور اثرگذارتر دولت در تربیت رسمی و عمومی عبارت‌اند از:

- رسمیت داشتن و قانونی بودن این شکل از تربیت و نیاز به حضور نهادی قدرتمند برای اعتبار آن؛
- وحدت‌بخشی تربیت رسمی و عمومی و فراهم آوردن زمینه‌ی شکل‌گیری هویت مشترک؛
- اجتناب‌ناپذیر بودن حضور نهاد قدرت در تدبیر و مدیریت آن در

صورتی که تربیت رسمی و عمومی از واجبات نظامیه تلقی گردد. از این‌رو در برقراری تربیت و سازوکارهای تحقق تربیت، به‌ویژه تربیت رسمی و عمومی، به مثابه یک حق اساسی در جامعه‌ی اسلامی، دولت اسلامی یکی از ارکان است و ضرورت دارد که در مدیریت آن دخالتی آشکار و وسیع داشته باشد ...

مطابق بند اول از اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است تمامی امکانات کشور را برای رشد و تعالی افکار و اندیشه‌های افراد به کار گیرد و با این کار موجبات تحقق عدالت را در جامعه فراهم آورد. در بندهای اول تا چهاردهم اصل سوم و اصل نوزدهم و اصل بیستم قانون اساسی بر این حقوق و احقاق آن در جامعه‌ی اسلامی تأکید شده است»<sup>۴</sup>.

پی‌نوشت  
۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. آذرماه ۱۳۹۰. صفحه‌ی ۱۷۸.  
۲. همان. صفحه‌ی ۲۸۰.  
۳. همان. صفحه‌ی ۲۸۸.  
۴. همان. صفحه‌ی ۳۱۳.

